

فصلنامه راهبرد دفاعی، سال شانزدهم، شماره ۶۳، پاییز ۱۳۹۷

فرمانده معظم کل قوا: «استکبار تلاش می‌کند ملت‌ها را با ایران هراسی، اسلام هراسی یا شیعه هراسی همراه کند، اما ملت‌ها ذاتاً با ایران اسلامی دشمنی ندارند و هر جا حقیقت روشن بشود، از آن حمایت می‌کنند.» (۱۳۹۶/۱۰/۱۹)

راهبردهای پیشگیری و مقابله با اسلام‌هراسی^۱

عباس علی پور^۲، سعید مجردی^۳، امیر حیات مقدم^۴، علی علیزاده^۵ و رضا جنیدی^۶

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۰۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۳

چکیده

اسلام‌هراسی واژه‌ای است که از نظر مفهومی به معنی ترس از اسلام تلقی می‌گردد، ترسی که ساختگی بوده و اسلام را در برابر تمدن‌های دیگر قرار می‌دهد. هدف از این مقاله شناخت پدیده اسلام‌هراسی به عنوان یکی از مهم‌ترین مشکلات پیش‌روی جهان اسلام و شناسایی مهم‌ترین راهبردهای پیشگیری و مقابله با این پدیده است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش‌شناسی، توصیفی-تحلیلی است. ابزارهای اصلی گردآوری اطلاعات شامل فیش‌برداری و پرسشنامه است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، کمی و کیفی است و راهبردها با استفاده از روش SWOT استخراج شده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، در مجموع برای جهان اسلام در برابر گسترش پدیده اسلام‌هراسی از نظر عوامل داخلی ۵ نقطه قوت و ۶ نقطه ضعف و از نظر عوامل خارجی در مجموع ۸ فرصت و ۹ تهدید استخراج گردید. همچنین در محیط راهبردی SWOT و متناسب با محیط‌های چهارگانه ۱۳ راهبرد به صورت اولیه در نظر گرفته شد که در نهایت بعد از وزن‌دهی، یک راهبرد جامع برای این تحقیق استخراج شد.

واژگان کلیدی: اسلام‌هراسی، درون‌تمدنی اسلامی، وحدت، بنیادگرایی، حقوق بشر.

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با این عنوان در مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی است.
۲. عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع) - (نویسنده مسئول) - aivan31@gmail.com
۳. دکترای دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی - smoj41@gmail.com
۴. رئیس پژوهشکده امنیت ملی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی
۵. دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی - a_azad46@yahoo.com
۶. عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع) - j-reza1358@yahoo.com

مقدمه

از زمان رنسانس تاکنون، غرب ادعای رهبری بر جهان را دارد. این ادعا در اندیشه برخی جریان‌ها و اشخاص به‌طور آشکار و شفاف بیان شده و در بسیاری از آن‌ها به‌طور تلویحی اعلام شده است. در ادبیات سیاسی نوین غربی، برتری غرب از جنبه‌های مختلف تحلیل می‌گردد. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و با طرح سؤال‌هایی بنیادین دربارهٔ خدا، جهان، انسان، تاریخ و... به جهانیان نشان داده شد که تفکر بستهٔ غرب از پاسخ به آن عاجز بوده و به‌همین علت، نمی‌تواند شکل آرمانی انسان و تاریخ باشد.

توجه جنبش‌های آزادیبخش، شخصیت‌ها و کشورهای اسلامی به نقش اسلام در صحنهٔ سیاست بین‌الملل باعث شد تا ژئوپلیتیک کشورهایایی که از جمعیتی با اکثریت مسلمان برخوردار بودند، در نگرشی مجدد ارزیابی شود. این امر از آنجا اهمیتی خاص می‌یافت که پیوستگی جغرافیایی و جایگاه خاص این بخش از جهان از نظر دسترسی به عظیم‌ترین منابع نفتی خودنمایی می‌کرد و پدیده‌ای به نام «جهان اسلام» را مطرح می‌ساخت. در واقع، انقلاب اسلامی به‌عنوان یک تحول بزرگ در کانون جغرافیایی جوامع شیعی یعنی ایران رخ داد و پس از آن بود که این کشور با ماهیت انقلابی و شیعی تلاش کرد تا نقش‌آفرینی خود را در عرصهٔ منطقه‌ای و جهانی آغاز کند.

غرب، از همان ابتدای سه مرحله، هجمهٔ بسیار سنگینی برای تخریب چهرهٔ انقلاب اسلامی وارد نمود: مرحلهٔ اول این پروژه ایران‌هراسی است که پس از انقلاب و تسخیر لانهٔ جاسوسی و به‌ویژه با فتوای تاریخی حضرت امام^(ره) مبنی بر ارتداد سلمان رشدی کلید خورد. مرحلهٔ دوم این پروژه اسلام‌ستیزی است که به فروپاشی شوروی سابق و افول کمونیسم برمی‌گردد. غرب، اسلام را به‌عنوان قدرتمندترین مکتب و مرام در مقابل خود پنداشته و تلاش می‌کند با وارد کردن تهمت‌ها و تبلیغ‌های کذب، این دین زنده و پرانرژی را از صحنه براند. مرحلهٔ سوم این پروژه به حادثهٔ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی اشاره دارد. انتساب این رویداد به اسلام‌گرایان، این احساس را در

دولت‌های غربی به وجود آورد که با آزادی عمل بیشتری می‌توانند حمله‌های تبلیغی و نظامی را علیه مسلمانان تدارک ببینند. از این رو، یک سال پس از این حادثه، ایران شیعی توسط رئیس‌جمهور وقت آمریکا (بوش پسر) به‌عنوان یکی از کشورهای محور شرارت نامیده شد و از آن زمان، به‌طور دائم تصویری منفی از ایران شیعی در رسانه‌های غربی ارائه می‌شود؛ این بازنمایی‌ها اغلب کلیشه‌ای و فریبکارانه بوده که در آن‌ها واقعیت‌ها در راستای منافع غرب برساخته می‌شود.

۱. کلیات

۱-۱. بیان مسئله

اسلام‌هراسی^۱ (ترس از اسلام) مفهومی است که به ترس، پیش‌داوری و تبعیض غیرعقلانی در برابر اسلام و مسلمانان اشاره دارد. (علی‌پور، ۱۳۹۲: ۲) مؤسسه «رانی‌مدتراست»^۲ در انگلیس که به امر تبعیض و نفرت از مسلمانان در این کشور می‌پردازد، اسلام‌هراسی را ترس و نفرت از اسلام و مسلمانان تلقی کرده است. در این تلقی، اسلام فاقد ارزش‌های مشترک با دیگر ادیان و فرهنگ‌هاست. از نگاه آن‌ها، اسلام موقعیتی فرودست‌تر از تمدن غرب داشته و بیش از آنکه بتواند یک دین باشد، یک عقیده و مرام سیاسی قلمداد می‌شود. گرچه سابقه این اصطلاح به دهه ۱۹۸۰ باز می‌گردد، این پدیده با منفی‌نمایی‌های غیرعقلانی از اسلام و مسلمانان، ریشه در رویکردهای سیاسی هدایت شده و آسیب‌های معرفت‌شناسانه غربی دارد و امروزه به بالاترین سطح خود رسیده است، به گونه‌ای که دارای عناصری پیچیده و آثاری متعدد و عمیق است. از نظر فرایند تاریخی، اسلام‌هراسی فراز و فرودهای متفاوتی را طی کرده است، اما پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از این اصطلاح استفاده بیشتری در غرب شده

1. Islamophobia

2. Ranimed trust

است، زیرا روابط بین اسلام و غرب تا سال ۱۹۴۵ میلادی تا اندازه بسیار زیادی وابسته به رقابت عقیدتی و راهبردی با جبهه شرق بود. اما پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق این موازنه تغییر یافته و غرب، اسلام را مانعی در برابر خواست خود دیده است. علاوه بر این مانع، مسائل دیگری نیز بر اسلام‌هراسی در غرب دامن زد که تغییر موازنه جمعیت در غرب به واسطه رشد اندک جمعیت در این کشورها و موج مهاجرت مسلمانان به این کشورها و گرویدن گروه‌هایی به اسلام از جمله آن‌هاست. همچنین تحولات اخیر در غرب آسیا و رشد جریان‌های افراط‌گرای تکفیری در عراق، سوریه و یمن که تعداد زیادی از اعضای این گروه‌ها از مهاجرین مسلمان ساکن در غرب بوده‌اند، زمینه مناسبی را برای تشدید اسلام‌هراسی در غرب به وجود آورده است. مجموعه این عوامل باعث شده که غرب با ابزارها و روش‌های مختلف به گسترش این پدیده در سطح بین‌الملل دامن بزند. در این میان می‌توان به ابزارها و روش‌هایی چون محروم‌سازی (در حوزه‌های استخدام، برخورد سیاستمداران و دولت با گروه‌های مسلمان)، خشونت (برخوردهای توهین‌آمیز، تخریب دارایی‌ها، توهین، تبعیض نژادی در خدمات عمومی، آموزشی و بهداشتی)، تبعیض و تعصب (در حوزه رسانه‌ها و مکالمه‌های روزمره) (بشیر و جاسی، ۱۳۹۰: ۲۳) و یکسان‌نگریستن تمامی مسلمانان به‌عنوان تروریست اشاره کرد.

برخی ابزارهای اصلی غرب برای پیشبرد اهداف خود در گسترش این پدیده عبارتند از: شبکه‌های ماهواره‌ای، شبکه‌های اجتماعی، هالیوود و سینما، رمان‌ها و داستان‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و فعالیت‌های اطلاعاتی اف.بی.آی. این فعالیت‌های سازمان‌یافته (اغلب رسانه‌ای) به‌گونه‌ای در جوامع غربی تزریق شده که از نظر مردم آن، خطر اسلام در آینده بدیهی‌ترین تهدید برای تمدن غربی است.

بنابراین، از اسلام به عنوان امپراطوری شیطنی^۱ به جای کمونیسم نام می‌برند. از دید آن‌ها بنیادگرایی اسلامی، خطری برای صلح و امنیت جهانی به‌شمار می‌رود. با این توصیف‌ها می‌توان گفت که برخورد اسلام و غرب خود را در بالاترین سطح نشان داده است. البته در این بین، رشد جریان‌های تکفیری و اقدام‌های تروریستی آن‌ها در کشورهای اروپایی در طول سال‌های گذشته و خشونت‌های بی‌شمار آن‌ها در سوریه و عراق و اقدام‌های فجیع آن‌ها علیه شهروندان این کشورها، دستاویز مناسبی برای تأیید اقدام‌های رسانه‌ای غرب بوده است. این مقاله درصدد بررسی پدیده اسلام‌هراسی در غرب و راهبردهای مقابله با آن است. بنابراین، این سؤال مطرح می‌شود که ماهیت پدیده اسلام‌هراسی چیست و چه راهبردهایی جهت پیشگیری و مقابله با این پدیده وجود دارد؟

۱-۲. اهمیت و ضرورت موضوع

اسلام در طول دو دهه گذشته، به‌ویژه پس از فروپاشی شوروی، تنها پدیده‌ای بوده که به‌عنوان نیرویی ضدغربی مطرح گردیده و غرب را با چالش جدی روبه‌رو ساخته است. بنابراین، یکی از شگردهای غرب جهت واپایش قدرت در جهان اسلام، گسترش پدیده اسلام‌هراسی و ارائه تصویری مخدوش از اسلام بوده است. به‌دنبال این تصویرسازی منفی، رسانه‌های غربی توانسته‌اند ضمن تغییر در نگرش انسان غربی، شکاف‌های زیادی را در جوامع اسلامی به‌وجود آورند. نتیجه تشدید این شکاف‌ها، اختلاف‌های درونی جهان اسلام و عدم همگرایی جوامع مسلمان با یکدیگر بوده است. بنابراین، بایستی هم به ابعاد داخلی و هم به ابعاد خارجی این پدیده پرداخت. با این نگاه، عمده‌ترین ضرورت‌های انجام این تحقیق عبارتند از:

1. Relentless indoctrination

- (۱) گسترش روزافزون برخورد دو تمدن غرب و اسلام با یکدیگر در سطح بین‌الملل؛
 (۲) گسترش روزافزون اختلاف‌های مذهبی در جهان اسلام (شیعه - سنی)؛
 (۳) نبود انسجام در راهبرد کلان جهت پیشگیری و مقابله با این پدیده.

۳-۱. پیشینه تحقیق

در رابطه با موضوع اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی تحقیق‌های زیادی در داخل و خارج از ایران صورت پذیرفته است. برخی از تحقیق‌های انجام گرفته در خارج از کشور در این زمینه عبارتند از:

- (۱) ریچارد هاس و ولی نصر در مقاله‌ای با عنوان «خیزش شیعه» بیان داشته‌اند که ایران در پی استیلای منطقه‌ای است. (Hass&Indyk, 2009)
 (۲) مؤسسه بروکینگز و شورای روابط خارجی آمریکا با همکاری جمعی از متخصصین آمریکایی غرب آسیا، در تحقیقی با عنوان «احیای موازنه» در راستای گفتمان ایران‌هراسی، از ایران به‌عنوان یک تهدید بزرگ و کشوری استیلاطلب نام برده و توصیه‌هایی برای جلوگیری از استیلای آن ارائه کرده است. (Hass&Indyk, 2009)
 (۳) گراهام فولر به‌عنوان یک نظریه‌پرداز آمریکایی که فاقد رویکردی افراطی در مورد اسلام است، در کتاب «قبله عالم»، اعتقاد دارد که هم غرب و هم اسلام نوعی احساس محاصره نسبت به یکدیگر پیدا کرده‌اند و معتقد است که می‌توان به یک نوعی از تفاهم نسبی بین این دو تمدن بزرگ دست پیدا کرد.

برخی از تحقیق‌های انجام گرفته در داخل کشور در این زمینه عبارتند از:

- (۱) محسن شریعتی‌نیا (۱۳۸۹) در فصلنامه روابط خارجی به پدیده ایران‌هراسی، دلایل و پیامدهای آن پرداخته و معتقد است که این پدیده هزینه‌های زیادی را بر امنیت ملی ایران وارد ساخته و مانع از قدرت‌یابی روزافزون ج.ا.ایران در سطح منطقه خواهد شد. (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۹)

- (۲) امیرمحمد حاجی یوسفی در فصلنامه دانش سیاسی (۱۳۸۸) به شکل گیری هلال شیعی در منطقه پرداخته و موضع گیری های اهل سنت در ارتباط با شیعیان منطقه به ویژه عراق را مورد بررسی قرار داده است. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸)
- (۳) محمدرضا مجیدی و محمدمهدی صادقی (۱۳۹۰) در مقاله جلوه ها و نمودهای اسلام هراسی در اروپا در فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی به مهم ترین جلوه ها و نمودهای این مسئله در اروپا پرداخته است. (مجیدی و صادقی، ۱۳۹۰)

۱-۴. هدف های تحقیق

۱-۴-۱. هدف های اصلی

- (۱) شناخت هدف های غرب از گسترش پدیده اسلام هراسی؛
- (۲) ارائه راهبردهای مقابله با پدیده اسلام هراسی.

۱-۴-۲. هدف های فرعی

- (۱) شناخت مهم ترین ابعاد برخورد غرب در حوزه اسلام هراسی؛
- (۲) شناخت و بررسی برخوردهای درون تمدنی جهان اسلام و چالش های پیش رو؛
- (۳) سنجش روش های غرب در برخورد با حوزه اسلام هراسی؛
- (۴) شناخت تقدم و پیامدهای حوزه اسلام هراسی و اثرگذاری آن بر جهان اسلام و اهداف و برنامه های غرب؛

۱-۵. سؤال های تحقیق

۱-۵-۱. سؤال های اصلی

- (۱) اهداف غرب از گسترش پدیده اسلام هراسی چیست؟
- (۲) راهبردهای مقابله با پدیده اسلام هراسی چه می باشد؟

۲-۵-۱. سؤال‌های فرعی

- (۱) گسترش پدیده اسلام‌هراسی توسط غرب چه ابعادی را شامل می‌شود؟
- (۲) عمده‌ترین ابزارها و روش‌های غرب در گسترش پدیده اسلام‌هراسی چیست؟
- (۳) پدیده اسلام‌هراسی توسط غرب دارای چه ماهیتی می‌باشد؟
- (۴) عمده‌ترین ابزارها و روش‌های کشورهای منطقه‌ای در گسترش پدیده اسلام‌هراسی کدامند؟

۶-۱. روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع تحقیق جزو تحقیق‌های توصیفی-تحلیلی است. ابزار اصلی گردآوری اطلاعات و روش تحقیق، کتابخانه‌ای است که در روش اول استفاده از منابع مکتوب و فیش‌نویسی و در روش دوم پرسشنامه است. جامعه آماری در بخش دوم (میدانی) متشکل از کلیه متخصصین و کارشناسان مسائل مرتبط به موضوع بوده است (مطابق با مطالعات حدود ۱۲۰ نفر بوده است). حجم نمونه مطابق با جدول مورگان ۹۲ نفر محاسبه گردیده است؛ اما جهت دقت در یافته‌ها ۱۰۰ نفر انتخاب گردید. روش نمونه‌گیری، تصادفی ساده بوده است. روش تجزیه و تحلیل در این تحقیق، ترکیبی (کمی و کیفی) بوده است. در بخش دوم برای به‌دست آوردن متغیرهای موردنیاز تحقیق، داده‌ها را در محیط نرم‌افزار SPSS وارد و با استفاده از روش‌های آماری به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته و همچنین جهت تدوین راهبردها از روش SWOT استفاده شده است.

۲. ادبیات و مبانی نظری تحقیق**۱-۲. گفتمان غرب نسبت به شرق**

در باور متفکران شرق‌شناس، جغرافیای شرق ترسیم نقشه‌های وسیع و گسترده‌ای از سازه‌های تیره و تاریک فرهنگ غرب از شرق است که بر مبنای قواعد طرد^۱ و ممنوعیت، به

بازنمایی شرق می‌پردازد. «ادوارد سعید» این نظام بازنمایی را شرق‌شناسی نامید. او معتقد است «شرق‌شناسی خطی است که غرب را از شرق تفکیک می‌کند و من در این رابطه گفته‌ام که این موضوع بیش از آنکه یک حقیقت ماهوی باشد، حقیقتی است که ساخته انسان است که من آن را جغرافیای ساختگی^۱ نامیده‌ام». (اتوتایل و همکاران، ۱۳۸۰: ۵۸۳) شرق‌شناسی بر مبنای قائل شدن به تمایزی معرفت‌شناختی میان «غرب» و «شرق» ساخته می‌شود؛ و انبوهی از نویسندگان، شاعران، داستان‌نویسان، فلاسفه، نظریه‌پردازان سیاسی و اقتصاددانان، این اختلاف بنیادین، یا این امر برساخته را مبنای کار خویش قرار می‌دهند و بر اساس آن گفته‌های سیاسی و ادبی و اقتصادی خویش را درباره «شرق» و فرهنگ آن، ارائه می‌کنند. «ادوارد سعید»، شرق‌شناسی را «گفتمان قدرت-دانش» می‌داند و معتقد است که شرق‌شناسی درک نخواهد شد، مگر آنکه به صورت یک گفتمان بررسی شود. (اشرف‌نظری، ۱۳۸۵: ۳۱)

در مجموع، با تکیه بر مباحث گفتمانی، چارچوب عمومی برای فهم روابط میان غرب و بقیه جهان (به‌ویژه مسلمانان) را فراهم کرده است. به عبارتی، مبنای کلی تفکر شرق‌شناسانه غربی‌ها نوعی جغرافیای تخیلی است و به گونه وحشتناکی قطب‌بندی شده است که جهان را به دو بخش غیرمساوی تقسیم می‌کند؛ بخش بزرگ‌تر و متفاوت آن به نام «مشرق زمین» خوانده می‌شود و آن دیگری، که همچنین با عنوان جهان «ما» خوانده می‌شود، نام مغرب زمین و یا «غرب» را به روی خود دارد. بنابراین فلسفه اسلام‌هراسی را خارج از هدف‌های سیاسی که دهه‌های اخیر پررنگ شده را باید ابتدا از منظر گفتمانی چند سده گذشته غرب جستجو کرد.

1. Imaginative Geographies

۲-۲. اسلام‌هراسی

با وجود اینکه واژه اسلام‌هراسی^۱ به‌تازگی وارد ادبیات سیاسی شده است، اما معانی و تفاسیر مختلفی از آن وجود دارد. کمیسیون مسلمانان بریتانیا و اسلام‌هراسی، در گزارش «رانی مدتراست»، اسلام‌هراسی را این‌گونه تعریف می‌کند: «اسلام‌هراسی، ترس و اکراه بی‌اساس در برابر مسلمانان است که باعث طرد آن‌ها و تبعیض علیه آن‌ها می‌شود». بر اساس این گزارش، «اسلام‌هراسی، شکل مختصرتر بیان هراس یا تنفر از اسلام و از این‌رو، ترس یا ناخشنودی از تمام مسلمانان یا اکثر آن‌هاست» (Elahi&Khan, 1997: 1) «الیزابت پل»^۲ تشریح می‌کند که چگونه شکل معاصر گفتمان شرق‌شناسی و شکل‌گیری «دیگری» به‌عنوان اسلام‌هراسی تعریف می‌شود: «واژه اسلام‌هراسی ابداع شده است، چرا که واقعیت جدیدی است که نیازمند نام‌گذاری است: پیش‌داوری ضد‌مسلمانان به شکل قابل‌توجهی رشد کرده و بر این اساس در سال‌های اخیر نیاز به اصطلاح جدید برای تشریح آن احساس شده است» (Elahi&Khan, 1997: 4) «ویدن»^۳ اسلام‌هراسی را به‌عنوان «خصوصیتی بی‌اساس علیه اسلام می‌داند... تبعیضی غیرمنصفانه در برابر افراد و اجتماعات مسلمانان» و معتقد است اسلام‌هراسی مفهومی است که به ترس و پیش‌داوری و تبعیض غیرعقلانی در برابر اسلام و مسلمانان اشاره دارد (Roberson, 1994).

می‌توان این‌گونه گفت که اسلام‌هراسی توسط قدرت‌های غربی بر مبنای یک «میل» شکل گرفته است که ادامه‌دهنده عقیده برتری سفیدپوستان است؛ اسلام به‌طور کامل دینی متفاوت است و اغلب شامل کلیشه‌هاست و ادعا بر این است که «ما» (غیرمسلمانان) مانند «آن‌ها» (مسلمانان) نبوده‌ایم و «ما» فرادست هستیم. «ما» افرادی متمدن، معقول، بخشنده، کارا، پیشرفته، روشنفکر و غیرشهوانی هستیم. «آن‌ها» افرادی بدوی، خشن، غیرعقلانی،

1. Islamophobia
2. Elizabeth Poole
3. Weedon

توطئه چین، غیرمنظم و ستمگر هستند. «اسماعیل سلامی» مؤلف برجسته ایرانی و کارشناس مسائل غرب آسیا در یادداشتی که در پرس تی وی منتشر شد، نوشت: «اسلام‌هراسی شکلی از استعمار سیاسی و جنگ عقیده علیه اسلام و مسلمانان است... این شیوه‌ای خطرناک است که واشنگتن و متحدانش از آن برای توجیه تشنگی خود به خون مسلمانان و مشروعیت بخشیدن به لشکرکشی نظامی خود به کشورهای اسلامی و چپاول منابع بی شمار آن‌ها، استفاده می‌کنند.» (<http://fa.gazapetition.ir/analysis/1704>)

«کارل بکر» مستشرق آلمانی معتقد است، دشمنی از زمانی به وجود آمد که اسلام پدید آمد و سپس گسترش یافت و سد محکمی در برابر نفوذ مسیحیت ایجاد کرد و به تدریج به سرزمین‌های مسیحی‌نشین سرایت کرد. دین اسلام پس از شکست مقاومت‌های مشرکان و یهودیان و حاکمیت بر جزیره‌العرب، به تدریج در سیر گسترش خود به سرزمین‌های مسیحی‌نشین راه یافت و در میان مردم آن نواحی نفوذ کرد. بنابراین، غلبه نخستین اسلام و مسلمانان بر مناطق مسیحی از انگیزه‌های مهم دشمنی مسیحیان با اسلام گشت. یکی از نویسندگان اروپایی (سجادپور، ۱۳۸۹: ۱۴) در این باره نوشت: «کمتر مسیحی با صدافتی در عصر اعتقاد می‌توانست با یک بی‌طرفی همراه با خونسردی به مردی [مانند پیامبر اسلام] بنگرد که مذهبش به دیده وی کاریکاتوری کفرآمیز از مذهب خود او بوده و پیروانش [از همان قرن ۷م/ق، که سوریه را از دولت بیزانس گرفتند] مسیحی‌گری را در زادگاه و مرکز رشد آغازینش از میان برده بودند.» (ثواب، ۱۳۷۹: ۷۹)

اسلام‌هراسی در غرب فقط به رویارویی تاریخی مسیحیان و مسلمانان خلاصه نمی‌شود. از زمان آغاز عصر استعمار، شرق‌شناسان به کمک استعمارگران غربی آمدند تا با ساخت تصویری منفی از اسلام و مسلمانان، ضرورت استعمار آن‌ها را توجیه کنند.

اگر چه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران حجم بازنمایی‌های منفی از اسلام و مسلمانان افزایش یافت، اما پس از فروپاشی شوروی سابق، اسلام به‌عنوان دشمن جایگزین شوروی سابق در راهبرد کلان ایالات متحده مطرح شد؛ چه به تعبیر «بروس کامپنگر»، پایان

جنگ سرد همانند مسابقه‌ای است که در آن دو اسب در حال دویدن به دور یک میدان می‌باشند که به یکباره پای یکی از اسب‌ها (شوروی / ورشو) می‌شکند و از دور مسابقه خارج می‌شود، اما حریف (آمریکا/ ناتو) بدون توجه به این موضوع به دویدن خود ادامه می‌دهد. برای حل این مشکل نیاز به دشمنی جدید برای جبهه پیروز جنگ سرد ضرورتی انکارناپذیر بود. برای توجیه مسابقه، اسلام به‌عنوان دشمن جدید معرفی شد. (قالیباف و جنیدی، ۱۳۸۷) سران واشنگتن پس از جنگ سرد، دیدگاه نظری «ساموئل هانتینگتون» با عنوان «برخورد تمدن‌ها» را به الگوی مسلط در تصمیم‌گیری‌های دولت آمریکا مبدل کردند. تأثیر تفکر «هانتینگتون» در گفتمان دشمن‌سازی واشنگتن باعث شد که «جرج بوش» در روزهای اولیه پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، در خطابه‌ای با دستپاچگی و بی‌توجهی به بار سنگین کلمه‌هایی که بر زبان می‌آورد، در اعلان جنگ علیه تروریسم، از واژه جنگ صلیبی استفاده نماید. البته هر چند بوش بعدها با توجه به انعکاس نامطلوب این خطابه، گفتار خود را اصلاح کرد، اما بسیاری از ناظران سیاسی معتقدند این گفتار، درون‌مایه سیاست آمریکایی‌ها در قرن ۲۱ را ترسیم می‌کند. (جنیدی، ۱۳۸۷: ۴۵)

حادثه ۱۱ سپتامبر به‌عنوان یک نقطه در روند اسلام‌هراسی، فرصت مناسبی را به آمریکا و هم‌پیمانانش داد تا با مظلوم‌نمایی به افکار عمومی القا نمایند که مسلمانان خواستار نابودی آمریکا هستند. پس از این حادثه، تصور جنگ تمدن‌ها بار دیگر زنده شد. سران واشنگتن با بزرگنمایی خطر اسلام (بنیادگرایی افراطی)، به‌ویژه با گوشزد نمودن مداوم حادثه ۱۱ سپتامبر و نسبت دادن آن به مسلمانان، آن را جایگزین خطر شوروی نمودند. (تیموری، ۱۳۸۶: ۷) «جرج بوش»، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، خطاب به مردم ایالات متحده با ترسیم جنگ علیه تروریسم اعلام کرد: «این نبرد تنها مبارزه آمریکا نیست و تنها آزادی آمریکا نیست که در گرو این مبارزه قرار دارد. بلکه این مبارزه دنیاست، مبارزه تمدن‌ها، مبارزه همه آن‌هایی که به رشد و پیشرفت، به تکثرگرایی و به آزادی و مدارا ایمان دارند». (میلتون ادوارد و هینچ کلیف، ۱۳۸۵: ۱۵۲)

یک ماه پس از این حادثه، «فرانسیس فوکویاما» در روزنامه گاردین با تقسیم جهان به «مدرن» و «واپس‌گرا»، جواز اقدام نظامی علیه جهان اسلام را صادر کرد. وی در مقاله خود تأکید نمود: «به غیر از ترکیه که در میان کشورهای اسلامی نمره قبولی گرفته است، دیگران در مقابل نوگرایی مقاومت می‌کنند. آمریکا برای شکستن این مقاومت می‌تواند از توان خود استفاده کند».

علاوه بر نقش دولتمردان، شرق‌شناسان و دانشگاهیان در اسلام‌هراسی، رسانه‌های غربی نیز نقش بسیار مهمی در این فرایند ایفا می‌کنند. مرور کوتاه عنوان روزنامه‌ها و مجله‌ها نیز نشان می‌دهد که درون‌مایه «ما» و «آنها» به‌طور مرتب در رسانه‌های غربی تکرار می‌شود؛ به‌عنوان نمونه، در عنوان‌هایی چون «اسلام در برابر غرب» و «رویاریبی آزادی بیان با اعتقاد اسلامی در پاکستان». هفته‌نامه تایم به «دینِ خشمگین» و «طرف تاریکِ اسلام» و دوهفته‌نامه چپ‌گرای مادر جونز به «ازدواج سیاه‌واتیکان با اسلام» اشاره کرده‌اند. مثال‌های دیگری از چگونگی بازنمایی اسلام را در مجلات خبری شامل: «تایم»، «اکنون‌میست»، «نیوزویک»، «یواس. نیوز» و... می‌توان یافت. عنوان‌هایی چون: «دوربودن از مذهب استالنیست‌ها»، «طرف سیاه اسلام»، «آمریکا در مقابل اسلام»، «تهدید اسلامی» و «باید از اسلام بترسیم». (علی‌پور، ۱۳۹۲: ۲۶۳)

۳. یافته‌های تحقیق

۳-۱. یافته‌های توصیفی

همان‌گونه‌که در جدول شماره (۱) مشخص شده است، در مجموع از ۱۰۰ نفر پاسخگویان، تعداد ۸۹ نفر (۸۹ درصد) مرد و تعداد ۱۱ نفر (۱۱ درصد) زن بوده‌اند. و بیشترین میزان پاسخگویان از نظر سن، گزینه ۳۰ تا ۴۰ سال بوده است. این گزینه با فراوانی تعداد ۴۷ نفر در رتبه اول بوده است. کمترین گزینه ۶۰ سال به بالا با فراوانی ۳ نفر بوده‌اند.

بیشترین میزان پاسخگویان از نظر تحصیلات پاسخگویان با مدرک فوق لیسانس با فراوانی ۴۱ نفر (۴۱ درصد)، دکتری با فراوانی ۲۱ نفر (۲۱ درصد) و در نهایت لیسانس با فراوانی ۳۸ نفر (۳۸ درصد)، بوده است (در مجموع ۱۰۰ نفر).

از کل پاسخگویان، از نظر شغل تعداد ۱۸ نفر عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها، ۱۶ نفر پژوهشگران مسائل جهان اسلام، ۲۷ نفر پژوهشگران سیاسی - امنیتی، ۲۱ نفر پژوهشگران حوزه غرب‌شناسی، ۱۲ نفر کارشناسان مذهبی و تعداد ۶ نفر گزینه سایر بوده‌اند.

جدول شماره (۱): درصد پاسخگویان براساس جنسیت، سن، تحصیلات و شغل

جنسیت (درصد)		سن		تحصیلات			شغل									
زن	مرد	۶۰ به بالا	۵۰-۶۰	۴۰-۵۰	۳۰-۴۰	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری	هیئت علمی	کشورهای اسلامی	پژوهشگر	امنیتی	پژوهشگر سیاسی - شناسی	پژوهشگر غرب	کارشناس مذهبی	سایر
۱۱	۸۹	۳	۱۹	۳۱	۴۷	۳۸	۴۱	۲۱	۱۸	۱۶	۲۷	۲۱	۲۱	۲۱	۱۲	۶

۳-۲. تحلیل SWOT اسلام‌هراسی

در این بخش نقاط ضعف، قوت، تهدید و فرصت‌های پدیده اسلام‌هراسی را به دست آورده و از شیوه تحلیل، به تدوین راهبردها پرداخته خواهد شد. تحلیل SWOT یکی از ابزارهای مورد استفاده در مدیریت راهبردی است.

۳-۳. مراحل تحلیل SWOT

- (۱) تشکیل جلسه؛
- (۲) انجام طوفان مغزی برای شناسایی عوامل داخلی و خارجی؛
- (۳) اولویت‌بندی عوامل؛

- (۴) تشکیل ماتریس و وارد کردن عوامل انتخاب شده با توجه به اولویت بندی؛
 (۵) مقایسه عوامل داخلی و خارجی با یکدیگر و تدوین راهبردهای چهارگانه؛
 (۶) تعیین اقدامهای لازم برای انجام راهبردهای تعیین شده؛
 (۷) انجام اقدامها و بررسی نتایج.

جدول شماره (۲): ماتریس SWOT در بخش اسلام‌هراسی

نقاط ضعف	نقاط قوت	
(Wo) با استفاده از فرصت‌ها نقاط ضعف را از بین بردن	راهبردهای (SO) استفاده از نقاط قوت در صدد بهره‌برداری از فرصت‌ها	فرصت‌ها
کاهش نقاط ضعف و پرهیز از تهدیدها (WT)	برای دوری از تهدیدها از نقاط قوت استفاده کردن (ST)	تهدیدها

۳-۴. تحلیل SWOT اسلام‌هراسی

در این بخش هر یک از مؤلفه‌های تحلیل SWOT در ارتباط با پدیده اسلام‌هراسی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

جدول شماره (۳): ارزیابی نقاط قوت (اسلام‌هراسی)

ردیف	قوت‌ها
۱	گسترده‌گی جغرافیایی، انسانی، قومی و نژادی جهان اسلام = S1
۲	ظرفیت بالای جمعیتی در جهان اسلام = S2
۳	اهمیت راهبردی جهان اسلام در معادلات بین‌المللی = S3
۴	غنی بودن جهان اسلام از منابع انرژی = S4
۵	پیشینه اقتدارآمیز فرهنگی جهان اسلام و نفوذ تا قلب اروپا = S5

جدول شماره (۴): ارزیابی نقاط ضعف (اسلام‌هراسی)

ضعف‌ها	ردیف
انشقاق مذهبی و ضعف انسجام بین کشورهای اسلامی = W1	۱
کثرت جریان‌های بنیادگرا در جهان اسلام = W2	۲
توسعه‌نیافتگی، فقر اجتماعی - فرهنگی و زیرساختی در جهان اسلام = W3	۳
ضعف مردم‌سالاری و عدم مشروعیت حکومتی در بسیاری از کشورهای اسلامی = W4	۴
وجود خشونت‌های قومی، قبیله‌ای، جنگ و خونریزی در کشورهای اسلامی = W5	۵
ضعف حقوق بشر و تضییع حقوق زنان در بسیاری از کشورهای اسلامی = W6	۶
ضعف فناوری‌های نوین رسانه‌ای در جهان اسلام و عدم رقابت‌پذیری با غرب = W7	۷

جدول شماره (۵): ارزیابی فرصت‌ها (اسلام‌هراسی)

فرصت‌ها	ردیف
رشد بیداری اسلامی = O1	۱
نیاز روزافزون غرب به منابع انرژی جهان اسلام = O2	۲
همبستگی مسلمانان بر ضد توهین به مقدسات اسلامی در غرب (توهین به پیامبر و ...) = O3	۳
نفوذ تاریخی - تمدنی اسلام در قلب اروپا = O4	۴
وجود جمعیت زیادی از مسلمان در غرب (مهاجرت، جذب و ...) = O5	۵
توسعه انسجام گروه‌های اسلامی ساکن در غرب از راه شکل‌گیری بنیادها و مراکز اسلامی جدید = O6	۶
توجه روزافزون غرب به ظرفیت‌های بالقوه جمعیتی مسلمانان در غرب (مثل انتخابات و ...) = O7	۷
توسعه ارتباطات مردمی (دیپلماسی عمومی) بین ملت‌های غربی و مسلمانان = O8	۸

جدول شماره (۶): ارزیابی تهدیدها (اسلام‌هراسی)

تهدیدها	ردیف
القاء، معرفی و برچسب‌زدن تروریسم و خشونت به عنوان نمادهای اسلامی = T1	۱
سلطه تدریجی غرب بر جهان اسلام = T2	۲
غفلت جهان اسلام از رژیم صهیونیستی = T3	۳
تولید خشونت، احساس نفرت و رشد احساسات ضداسلامی در بین سایر ادیان نسبت به مسلمانان = T4	۴
کمک به فرایند هضم مسلمانان در فرهنگ مسلط غربی (اسلام‌زدگی) = T5	۵
القای ضد مردم‌سالاری و ضد حقوق بشر نشان دادن جهان اسلام در افکار عمومی جهانی = T6	۶
تشدید برخوردهای فیزیکی و بی‌احترامی به مقدسات اسلامی در غرب = T7	۷
تشدید برخوردهای مخرب درون‌تمدنی و جلوگیری از تشکیل امت اسلامی = T8	۸
ایجاد محدودیت‌های علمی و فناورانه علیه جهان اسلام = T9	۹

با توجه به موارد بیان شده، چهار نوع راهبرد بر مبنای حوزه‌های کلان راهبردی ارائه می‌شود:

۳-۵. راهبردهای تهاجمی یا پیش‌فعال

لازمه چنین راهبردهایی، وجود قوت‌ها و فرصت‌های بالا است. راهبردهای تهاجمی اسلام‌هراسی به قرار زیر است:

راهبرد شماره (۱): ارتباط‌های مستقیم بین مسلمانان ساکن در غرب و کشورهای اسلامی از راه سازمان‌ها و انجمن‌های مردم‌نهاد؛
راهبرد شماره (۲): توسعه رسانه‌های مشترک اسلامی در جهت بازنمایی مثبت از چهره اسلام؛

راهبرد شماره (۳): مشارکت دادن مسلمانان ساکن در غرب به‌عنوان اعضای ناظر سازمان کنفرانس اسلامی جهت افزایش اقتدار جهان اسلام؛

راهبرد شماره (۴): رشد بازنمایی‌های منفی از غرب (القای تنفر و انزجار مسلمانان از غرب) و تحریک احساسات مسلمانان بر ضد تمدن غرب با تصویرسازی از مفاهیمی چون جنگ‌های صلیبی، کشتار مسلمانان آندلس و ...؛

راهبرد شماره (۵): تشدید تهدیدها علیه رژیم صهیونیستی از طریق معرفی جنایت‌ها و خشونت‌های این رژیم به‌واسطه هجمه و فشار منطقه‌ای و بین‌المللی.

۳-۶. راهبردهای محافظه‌کارانه یا غیرفعال

این راهبرد بر حفظ وضع موجود تأکید داشته و زمانی کاربرد دارد که وضع موجود، مطلوب و اهداف ما، در حال تأمین باشد. این راهبرد را می‌توان راهبرد «کج‌دار مریض» نام‌گذاری کرد. مهم‌ترین راهبردهای محافظه‌کارانه عبارتند از:

راهبرد شماره (۶): تأکید بر سازمان‌های مشترک اسلامی (سازمان کنفرانس اسلامی) به‌عنوان یک ابزار چانه‌زنی در مناسبات بین‌المللی به‌منظور جلوگیری از قطعنامه‌های حقوق بشری بر ضد کشورهای اسلامی؛

راهبرد شماره (۷): ایجاد هماهنگی‌های لازم در جهان اسلام با هدف کاهش دسترسی غرب به منابع انرژی جهان اسلام.

۳-۷. راهبردهای رقابتی یا تعاملی

این راهبرد زمانی استفاده می‌شود که با توان اندک و در تعامل با دیگران، بتوان نقاط قوت را به حداکثر رسانده و از فرصت‌ها بهره‌برداری کرد. مهم‌ترین راهبردهای این بخش عبارتند از:

راهبرد شماره (۸): افنای افکار عمومی غرب جهت ارائه تصویری مثبت و مطلوب از اسلام با ابزارهای علمی و فناورانه (همایش‌ها و تولیدات فرهنگی و همچنین توجه جدی به شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزاری نوین و قدرت‌ساز در انتقال مفاهیم)؛

راهبرد شماره (۹): ایجاد مصالحه و ارتباط با گروه‌ها و احزاب (مذهبی و غیرمذهبی) در کشورهای غربی نسبت به موضع‌گیری‌های آشکار علیه وهن مقدسات اسلامی؛

راهبرد شماره (۱۰): حمایت‌های گسترده از کارگردان‌های تلویزیونی غربی جهت تولید فیلم‌هایی با محتوای مثبت از اسلام در غرب؛

راهبرد شماره (۱۱): ایجاد تسهیلات لازم (مطالعاتی و گردشگری) جهت معرفی واقعی از اسلام به غربی‌ها؛

راهبرد شماره (۱۲): ارتباطات نظام‌مند و گسترده با مراکز مذهبی غربی (کلیسا و...) جهت توجه به اشتراک‌های انسانی و بشری.

۳-۸. راهبردهای تدافعی یا انفعالی (راهبردهای سلبی)

این راهبرد زمانی اتخاذ می‌شود که در موضع ضعف قرار گرفته و زمینه برای مقابله با اسلام‌هراسی وجود نداشته باشد. مهم‌ترین راهبردهای تدافعی عبارتند از: راهبرد شماره (۱۳): تقویت مبادلات درون‌تمدنی (اسلامی) جهت تضعیف و برخورد جریان‌های افراطی و بنیادگرا، مقابله با تروریسم، حقوق بشر اسلامی و توسعه وحدت اسلامی.

۳-۹. ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی (QSPM)^۱

پس از تعیین راهبردهای چهارگانه با روش ماتریس کمی برنامه‌ریزی راهبردی، اولویت راهبردهای گفته شده مشخص می‌شود. این ماتریس، یکی از فنون و ابزارهای بسیار رایج در ارزیابی گزینه‌های راهبردی و مشخص نمودن جذابیت راهبردهاست که در مرحله تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شیوه و فن مشخص می‌کند کدام یک از راهبردهای انتخاب شده، امکان‌پذیر می‌باشد و درواقع راهبردها را اولویت‌بندی می‌کند. ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی از اطلاعات مرحله اول (اطلاعات ورودی) و مرحله دوم (تلفیق) برای این منظور استفاده می‌نماید. در این ارزیابی چنانچه یک راهبرد، شرایط مواجهه با وضعیت داخلی و خارجی را نداشته باشد، از فهرست‌ها خارج می‌شود.

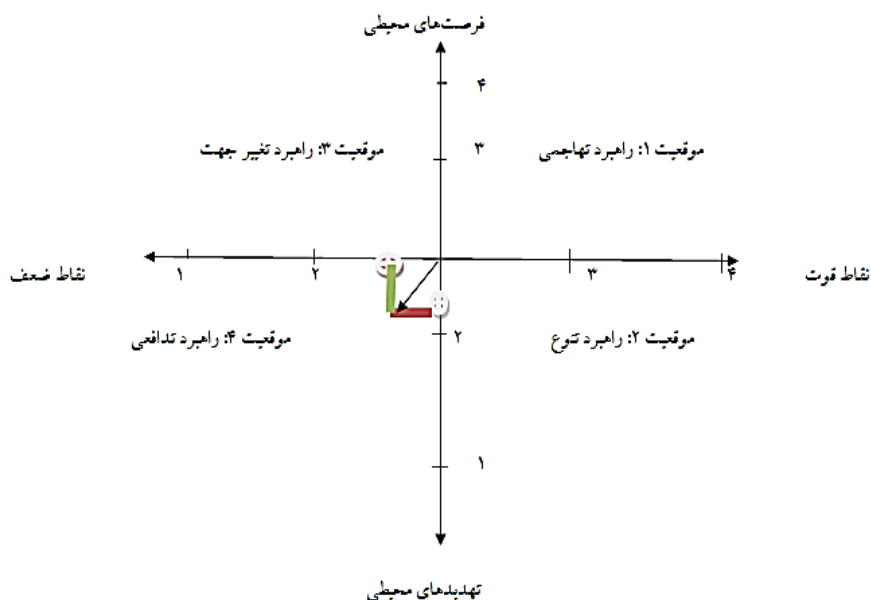
جدول شماره (۷): اولویت‌بندی راهبردهای مقابله با اسلام‌هراسی

رتبه	راهبرد (R)	نام راهبرد	جذابیت موزون
۱	R2	توسعه رسانه‌های مشترک اسلامی جهت بازنمایی مثبت از چهره اسلام	۳۳۷/۱
۲	R13	تقویت مبادلات درون‌تمدنی (اسلامی) جهت تضعیف و برخورد جریان‌های افراطی و بنیادگرا، مقابله با تروریسم، حقوق بشر اسلامی و توسعه وحدت اسلامی	۳۱۶/۱
۳	R5	تشدید تهدیدها علیه رژیم صهیونیستی از طریق معرفی جنایت‌ها و خشونت‌های این رژیم از طریق هجمه و فشار منطقه‌ای و بین‌المللی	۳۰۶/۵
۴	R6	تأکید بر سازمان‌های مشترک اسلامی (سازمان کنفرانس اسلامی) به‌عنوان یک ابزار چانه‌زنی در مناسبات بین‌المللی به منظور جلوگیری از قطعنامه‌های حقوق بشری بر ضد کشورهای اسلامی	۳۱۷/۳
۵	R4	رشد بازنمایی‌های منفی از غرب (القای تنفر و انزجار مسلمانان از غرب) و تحریک احساسات مسلمانان بر ضد تمدن غرب با تصویرسازی از مفاهیمی چون جنگ‌های صلیبی، کشتار مسلمانان آندلس و ...	۳۲۹/۷
۶	R3	مشارکت دادن مسلمانان ساکن در غرب به‌عنوان اعضای ناظر سازمان کنفرانس اسلامی جهت افزایش اقتدار جهان اسلام	۳۲۲/۷
۷	R8	اقناع افکار عمومی غرب در جهت ارائه تصویری مثبت و مطلوب از اسلام با ابزارهای علمی و فناورانه (همایش‌ها و تولیدات فرهنگی)	۳۳۲/۸
۸	R1	ارتباط‌های مستقیم بین مسلمانان ساکن در غرب و کشورهای اسلامی از طریق سازمان‌ها و انجمن‌های مردم نهاد	۳۳۳/۶
۹	R10	حمایت‌های گسترده از کارگردان‌های تلویزیونی غربی در جهت تولید فیلم‌هایی با محتوای مثبت از اسلام در غرب	۳۰۹/۳
۱۰	R12	ارتباط‌های نظام‌مند و گسترده با مراکز مذهبی غربی (کلیسا و...) جهت توجه به اشتراک‌های انسانی و بشری	۲۹۱/۴
۱۱	R11	ایجاد تسهیلات لازم (مطالعاتی و گردشگری) جهت معرفی واقعی از اسلام به غربیان	۲۹۶/۹
۱۲	R9	ایجاد مصالحه و ارتباط با گروه‌ها، احزاب (مذهبی و غیرمذهبی) در کشورهای غربی نسبت به موضع‌گیری‌های آشکار علیه وهن مقدسات اسلامی	۲۹۵/۵
۱۳	R7	ایجاد هماهنگی‌های لازم در جهان اسلام با هدف کاهش دسترسی غرب به منابع انرژی جهان اسلام	۲۹۴

جدول شماره (۸) رتبه‌بندی راهبردهای مقابله با اسلام‌هراسی

رتبه	راهبرد (R)	نام راهبرد	جدائیت موزون
۱	R2	توسعه رسانه‌های مشترک اسلامی جهت بازنمایی مثبت از چهره اسلام	۳۳۷/۱
۲	R1	ارتباط‌های مستقیم بین مسلمانان ساکن در غرب و کشورهای اسلامی از طریق سازمان‌ها و انجمن‌های مردم‌نهاد	۳۳۳/۶
۳	R8	افتخار افکار عمومی غرب جهت ارائه تصویری مثبت و مطلوب از اسلام با ابزارهای علمی و فناورانه (همایش‌ها و تولیدات فرهنگی)	۳۳۲/۸
۴	R4	رشد بازنمایی‌های منفی از غرب (القای تنفر و انزجار مسلمانان از غرب) و تحریک احساسات مسلمانان بر ضد تمدن غرب با تصویرسازی از مفاهیمی چون جنگ‌های صلیبی، کشتار مسلمانان آندلس و ...	۳۲۹/۷
۵	R3	مشارکت دادن مسلمانان ساکن در غرب به‌عنوان اعضای ناظر سازمان کنفرانس اسلامی جهت افزایش اقتدار جهان اسلام	۳۲۲/۷
۶	R6	تأکید بر سازمان‌های مشترک اسلامی (سازمان کنفرانس اسلامی) به‌عنوان ابزار چانه‌زنی در مناسبات بین‌المللی به‌منظور جلوگیری از قطعنامه‌های حقوق بشری بر ضد کشورهای اسلامی	۳۱۷/۳
۷	R13	تقویت مبادلات درون‌تمدنی (اسلامی) جهت تضعیف و برخورد جریان‌های افراطی و بنیادگرا، مقابله با تروریسم، حقوق بشر اسلامی و توسعه وحدت اسلامی	۳۱۶/۱
۸	R10	حمایت‌های گسترده از کارگردان‌های تلویزیونی غربی جهت تولید فیلم‌هایی با محتوای مثبت از اسلام در غرب	۳۰۹/۳
۹	R5	تشدید تهدیدها علیه رژیم صهیونیستی از طریق معرفی جنایت‌ها و خشونت‌های این رژیم به‌واسطهٔ حمله و فشار منطقه‌ای و بین‌المللی	۳۰۶/۵
۱۰	R11	ایجاد تسهیلات لازم (مطالعاتی و گردشگری) جهت معرفی واقعی از اسلام به غربی‌ها	۲۹۶/۹
۱۱	R9	ایجاد مصالحه و ارتباط با گروه‌ها، احزاب (مذهبی و غیرمذهبی) در کشورهای غربی نسبت به موضع‌گیری‌های آشکار علیه وهن مقدسات اسلامی	۲۹۵/۵
۱۲	R7	ایجاد هماهنگی‌های لازم در جهان اسلام با هدف کاهش دسترسی غرب به منابع انرژی جهان اسلام	۲۹۴
۱۳	R12	ارتباط‌های نظام‌مند و گسترده با مراکز مذهبی غربی (کلیسا و...) جهت توجه به اشتراک‌های انسانی و بشری	۲۹۱/۴

شکل شماره (۱): ماتریس ارزیابی عوامل داخلی



۴. نتیجه‌گیری

۴-۱. جمع‌بندی

اسلام‌هراسی را می‌توان از چند جنبه بررسی کرد تا بتوان راهبردهای مناسب را اتخاذ نمود:

- (۱) اسلام‌هراسی پدیده‌ای دارای زمینه‌های تاریخی است. زمینه‌هایی چون نقش مستشرقین غربی، جنگ‌های صلیبی، فروپاشی شوروی سابق، حادثه ۱۱ سپتامبر و روی کارآمدن نومحافظه‌کاران در آمریکا به این پدیده مربوط می‌شود.
- (۲) از نظر زمینه‌های عینی، مواردی چون افزایش جمعیت مسلمانان در غرب، افزایش قدرت جهان اسلام و انطباق هدف‌های راهبردی غرب در جهان اسلام برای حفظ امنیت رژیم صهیونیستی قابل بیان هستند.

(۳) از نظر زمینه‌های ذاتی، سرشار بودن تاریخ اسلام و غرب از درگیری‌ها، جهل غرب نسبت به اسلام، تعارض منافع و خاستگاه ارزشی و نگاه معرفت‌شناسانه غرب به شرق (که اغلب بالادستی است) از جمله عوامل تشدید اسلام‌هراسی در غرب می‌باشند.

(۴) رشد روزافزون اسلام‌هراسی پیامدهایی برای مسلمانان ساکن در غرب داشته است که عبارتند از: ایجاد تبعیض و محرومیت نسبی علیه مسلمانان در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و حقوق شهروندی (آموزش، بهداشت، تابعیت و...)، ایجاد نفرت و تولید خشونت نسبت به مسلمانان (تخریب، برخورد خشونت‌آمیز و...)، هضم جوامع مسلمان در فرهنگ مسلط غربی و حرکت در جهت جداکردن دین از سیاست در آن‌ها، هویت‌زدایی از مسلمانان ساکن در غرب، نادیده‌انگاری و دوری‌گزیدن از جامعه مسلمانان، ایجاد محدودیت و واپایش‌های حساب‌شده مسلمانان از سوی نهادهای امنیتی (شنود تلفنی، بستن حساب‌های بانکی، بازجویی‌های غیرقابل توجیه، تشدید واپایش و نظارت‌های دولتی، از بین بردن آسایش فکری و امنیت روانی مسلمانان، تشدید برخوردهای فیزیکی و حمله احزاب و گروه‌های نژادپرست، تشدید بی‌احترامی نسبت به ارزش‌ها و مقدسات مسلمانان (قرآن‌سوزی و...)، تشدید محرومیت‌های قانونی چون منع حجاب، تشدید اخراج مسلمانان از کشورهای غربی، دستگیری‌های گسترده و شکنجه مسلمانان و اعراب بدون رعایت موازین حقوقی و عدم‌پذیرش مسلمانان (مهاجر و پناهنده و...).

در سطح داخلی، این پدیده منجر به پیش‌داوری‌های منفی در افکار عمومی نسبت به جهان اسلام و مسلمانان، تضعیف توان اسلام در برابر غرب (توان تمدنی اسلام در برابر غرب)، ایجاد ترس نسبت به مبانی اسلام و بازتولید مفاهیم ضداسلامی، تسهیل و تصویب قوانین ضدتروریستی در سازمان ملل و انتساب آن به کشورهای اسلامی، ایجاد زمینه برای حمله به کشورهای اسلامی در قالب مفاهیمی چون مبارزه با تروریسم، حقوق بشر و...، واپایش منابع انرژی در جهان اسلام و جلوگیری از تشکیل امت واحد اسلامی شده است.

متناسب با انجام SWOT، جهان اسلام از ویژگی‌ها و نقاط برجسته‌ای برخوردار بوده و در مقابل، به همان اندازه دچار ضعف‌های ساختاری و بنیادی است. همچنین تهدیدها و فرصت‌های زیادی وجود دارند که بعد از سنجش و اندازه‌گیری آن در محیط SWOT، در مجموع ۱۳ راهبرد احصا گردید و متناسب با آن‌ها راهبرد کلان زیر استخراج شد:

«تقویت مبادلات درون تمدنی (اسلامی) جهت تضعیف و برخورد جریان‌های افراطی، پیشگیری و مقابله با تروریسم، تبلیغ حقوق بشر اسلامی و توسعه وحدت اسلامی از طریق توسعه ارتباط‌های درونی و بیرونی».

امروز جهان اسلام بیش از پیش به این راهبرد نیاز دارد. بحث‌هایی چون «قدس» و شکل‌گیری جریان‌های تکفیری باعث گردیده مبادلات درون‌تمدنی تقویت شوند. تازمانی که اختلاف‌های درونی جهان اسلام وجود داشته باشد، به همان اندازه اسلام‌هراسی در غرب گسترش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، هیچ مؤلفه و مشخصه‌ای به اندازه درگیری‌های درونی در جهان اسلام به تشدید اسلام‌هراسی در غرب کمک نمی‌کند. بنابراین، بایستی با هر سازوکاری مانع از انشقاق و پاره‌پاره شدن بدنه جهان اسلام با عنوان‌هایی چون شیعه و سنی، عرب و غیرعرب و ... گردید.

بیداری اسلامی به‌عنوان یک آگاهی جمعی با تکیه بر اراده عمومی متأثر از اسلام اصیل تبدیل به رفتار سیاسی شده و در شکل یک موضوع سیاسی سازماندهی گردید. این مقوله نتیجه ناکامی کاربست عقیده غربی است که می‌تواند پدیده‌ای شگرف در بازتوانی واقعی در جهان اسلام در آینده باشد.

۲-۴. پیشنهادها

(۱) اسلام‌هراسی و راهبردهای پیشگیری و مقابله با آن از سوی دستگاه‌های مربوط در حوزه نظر و عمل، با توجه به تغییرات سریع، پیچیده و ابهام‌آلود در جهان و دگرذیسی در راهبردها و سیاست‌های دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی دوباره مورد ارزیابی دقیق‌تر قرار گیرد.

(۲) شیعه‌هراسی و راهبردهای پیشگیری و مقابله با آن از سوی دستگاه‌های مربوط در حوزه نظر و عمل، با توجه به تغییرات سریع، پیچیده و ابهام‌آلود در جهان و دگردیسی در راهبردها و سیاست‌های دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی دوباره مورد ارزیابی دقیق‌تر قرار گیرد.

(۳) ایران‌هراسی و راهبردهای پیشگیری و مقابله با آن از سوی دستگاه‌های مربوط در حوزه نظر و عمل، با توجه به تغییرات سریع، پیچیده و ابهام‌آلود در جهان و دگردیسی در راهبردها و سیاست‌های دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی دوباره مورد ارزیابی دقیق‌تر قرار گیرد.

(۴) ارتباط بین سه مقوله اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی نیازمند پالایش و ارزیابی دوباره می‌باشد.

(۵) علل و زمینه‌های رشد و گسترش پدیده اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی در منطقه و جهان احصاء گردد.

منابع و یادداشت‌ها

الف. منابع فارسی

۱. اتوتایل، ژناروید، سیمون دالبی و پاول روتلج، (۱۳۸۰)، *اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم*، ترجمه محمدرضا حافظ‌نیا و هاشم نصیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۲. اشرف‌نظری، علی، (۱۳۸۵)، شرق‌شناسی و رویکرد شناختی آن نسبت به ایران، *مجله چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی*، شماره ۲۴، خرداد و تیر.
۳. بشیر، حسن و مرتضی جاسبی، (۱۳۹۰)، تصویر اسلام به روایت کاریکاتورهای غربی بعد از ۱۱ سپتامبر، *مجله نامه پژوهش*، شماره ۱۲.
۴. تیموری، امیرحسین، (۱۳۸۶)، پیش به سوی بازسازی نظریه برخورد تمدن‌ها، *شهروند*، مهرماه، شماره ۱۷.
۵. ثواقب، جهانبخش، (۱۳۷۹)، عوامل مؤثر در رشد و گسترش تمدن اسلامی، *فصلنامه مشکوه*، شماره ۶۶، بهار.
۶. جنیدی، رضا، (۱۳۸۷)، *تکنیک‌های عملیات روانی و شیوه‌های مقابله*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، شرکت به‌نشر.
۷. حاجی‌یوسفی، امیر محمد، (۱۳۸۸)، هلال شیعی؛ فرصت‌ها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا، *مجله دانش سیاسی*، شماره ۹، بهار و تابستان.
۸. سجادی‌پور، سیدمحمد کاظم، (۱۳۸۹)، *بنیادهای استراتژیک «اسلام‌هراسی»*، مجموعه مقالات اسلام‌هراسی پس از یازده سپتامبر، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۹. شریعتی‌نیا، محسن، (۱۳۸۹)، ایران‌هراسی: دلایل و پیامدها، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، سال ۲، شماره ۶.
۱۰. علی‌پور، عباس، (۱۳۹۲)، *ماهیت، اهداف، ابعاد و ابزار اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی، ایران‌هراسی و راهبردهای مقابله با آن*، پروژه تحقیقاتی مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی (وابسته به ستاد کل نیروهای مسلح)، گروه تهدیدات محیط پیرامون، اسفندماه.
۱۱. قالیباف، محمدباقر و رضا جنیدی، (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک بر بال رسانه، *همایش عملیات روانی مهندسی و آینده پژوهشی*، تهران، ۱۵ اسفند.

۱۲. مجیدی محمدرضا و محمدمهدی صادقی، (۱۳۸۸)، جلوه‌ها و نمودهای اسلام‌هراسی در اروپا؛ رویکردهای نئومحافظه‌کار و لیبرال، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ۸، شماره ۲۴، بهار.
۱۳. میلتنون ادوارد، ورلی و پیتر هینچ کلیف، (۱۳۸۵)، *بحران در غرب آسیا*، ترجمه شهرزاد رستگار شریعت‌پناهی، تهران، نشر قومس.

الف. منابع لاتین

1. <http://fa.gazapetition.ir/analysis/1704>
2. Elahi, Farah&Omar khan, (1997), Islamophobia, a Challenge for Us All, *Runnymede Trust*, Summary.
3. Hass, R. and Indyk, M, (2009), *Restoring the Balance: A Middle East Strategy for the Next President*, Washington D C: Brookings Institution Press.
4. Roberson, B. A, (1994), Islam and Europe: An Enigma or a Myth? *Middle East Journal*, 48.
